

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Scientific

علمی

داکتر محمد کریم فارغی- استرالیا
۱۵ اکتوبر ۲۰۲۲



داکتر محمد کریم فارغی

رشد شخصیت در جوامع محافظه کار!

پرورش و باروری شخصیت در کشور سنتی ما که در آن ارزش ها گروهی، دسته جمعی و یا هم فامیلی است یکی از مشکل ترین پروسه های اجتماعی ما در طی دهه ها و حتی صدها بوده است.

فرد وقتی مورد حمایت فامیل قرار می گیرد که از ارزش های فامیل بدون قید و شرط پیروی کند و حتی اگر مطمئن هم باشد که اشتباه و خطائی در کار است، نادیده بگیرد و دم نزند، کلان فامیل و یا خانواده چنان در تطمیع و دسیپلین افراد خانواده می کوشد و به اصطلاح آنها را brain wash می کند که افراد خانواده همه صلاحیت ها و نوآوری هایشان را از دست می دهند و به مثل یک پاپت عمل می کنند، این پروسه ظاهراً نه از روی دشمنی بلکه از منتهای دوستی صورت می گیرد و با این کار هم فامیل و هم فرد از حمایت اجتماع سنتی برخوردار گردیده و مورد تمجید و اکرام قرار می گیرد.

چنین اجتماعاتی که جامعه ما یکی از آنها است، نهایت محافظه کار اند و در تغییر ارزش ها به آسانی تن نمی دهند، افراد نیز با وجود داشتن تحصیل و فضیلت های بیشمار جرأت شکستادن تابو ها و موانع رشد شخصیت انفرادی را ندارند و بدون تردید از آنچه پدران انجام داده اند پیروی می کنند و آن را یکی از ارزش ها و امتیاز هایشان به حساب اجتماع می دهند.

این واقعیت یکی از فاکت ها در نداشتن شخصیت های رشد یافته، مستقل و آزاد از تابو ها در سطح جامعه ما به حساب می آید.

واقعیت دیگر درین چنین جوامع تأخیر در بلوغ شخصیت است که مبنی بر آن افراد در سنین چهل و حتی پنجاه هنوز اطفال خانواده به حساب می آیند و حق تصمیم گیری مستقلانه در مورد امور شخصی و فامیلی را نمی داشته باشند و

بزرگان در آن موارد باید تصمیم بگیرند، این افراد حتی تأیید خوش بختی و بد بختی شان باید از جانب بزرگان صورت بگیرد زیرا به آنها این صلاحیت داده نشده است و آنها در این مورد هیچ تجربه عملی ندارند.

دختر های این چنین خانواده ها که در جامعه به نام فامیل های با اصالت از آنها نام گرفته می شود، به خاطر نداشتن اراده شخصی در انتخاب جوان مورد علاقه شان در حالی که کاملاً با خانواده های شان موافق نیستند ، حاضر به زندگی با افراد مورد نظر فامیل هایشان می گردند ولی هیچ گاهی روحاً و قلباً با آنها زندگی نمی کنند و همواره به فکر و هوای محیط خانواده ای که در آن brain wash گردیده اند می باشند، این گرایش به محیط اولی خانوادگی نه از روی عشق و محبت بلکه یک نوع وابستگی ذهنی و احساس امنیت فردی است ...

البته پسر های این خانواده نیز دست کمی از دختر ها ندارند زیرا آنها تأخیر شخصیتی و بلوغ روحی و اجتماعی می داشته باشند که بر اساس آن فاقد روابط اجتماعی مستقل اند و در اجتماعات بزرگ راه نمی داشته باشند....

[October 8, 2018](#)